

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شفیع اتل: کابل

۱۱ اپریل ۲۰۱۸

"جنبش نجات پشتون ها"؛ اعتراض به ضد یک ارتش قدرتمند

در سال ۲۰۱۳، گروهی از جوانان پشتون تبار مناطق قبایلی در پاکستان، جنبش تحفظ محسود (قوم محسود در



وزیرستان) را پایه گذاری کردند. این جوانان در واکنش به حملات گسترده ارتش پاکستان و ترورهای که از سوی سازمان استخباراتی پاکستان در وزیرستان پاکستان جریان داشت، دست به اعتراض زدند.

رهبری این جنبش را جوانی ۲۳ ساله لاغر اندامی به عهده گرفت. این جوان از همان ابتداء کلاه سرخ رنگی بر سر می کرد که اکنون به نماد اعتراض در این مناطقی از پاکستان تبدیل شده است. این جوان، **منظور احمد پشتین** نام دارد و در یک خانواده فقیر روستایی در وزیرستان متولد شده است.

او در سال ۲۰۰۹، پس از آن که ارتش پاکستان حملات گسترده پاکسازی در وزیرستان را راه اندازی کرده بود، با صدها خانواده از روستای شان بیجا شده

بودند. پس از آمدن دوباره به روستایش، با انبوهی از ویرانی ها روبهرو شد. در این میان، نابود شدن کتاب هایش در مبارذمان هواپیماهایی ارتش پاکستان، بیشتر از هر چیزی برایش سخت تمام شده است.

منظور پشتین کتاب خواندن را از پدرش آموخته است. کتاب های مختلف در مورد انقلاب کشورهای مختلف جهان، که در واقع عامل اصلی تحریک او به اعتراض و سرپیچی در مقابل حملات ارتش مند پاکستان شد.

منظور پشتین، به مجردی که درک کرد مردم از وضعیت ناراض اند و زمینه جلب حمایت از یک حرکت اعتراضی وجود دارد، دست به ایجاد جنبش تحفظ محسود زد. افرادی مانند سید اعظم مسید، علی وزیر، محسن داور و شماری

دیگر، در این کار او را همراهی کردند و نام این حرکت را به جنبش تحفظ پشتون‌ها تغییر دادند، حرکتی که اکنون در حال تبدیل شدن به "بهار" پشتون‌های پاکستان است.

پس از به وجود آمدن پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی، بخشی از خاک افغانستان به آن کشور تعلق گرفت که خط دیورند این دو کشور را از هم جدا ساخت. در دو سوی این خط عمدتاً پشتون‌ها و بلوچ‌ها زندگی می‌کنند. این دو اقلیت قومی در آن سوی خط دیورند به اضافه هزاره‌ها در کویتۀ بلوچستان در جریان سال‌های زیادی با ظلم، شکنجه، آزار و اذیت و تحقیر حاکمان پاکستان که عمدتاً پنجابی اند، روبه‌رو بوده‌اند.

خیبر پختونخوا (قبلاً صوبۀ سرحد) و صوبۀ بلوچستان از لحاظ ذخایر و منابع طبیعی بسیار غنی بوده‌اند، اما به علت تبعیض و عدم توجه مقامات پاکستان به این مناطق، با گذشت هر روز فقیرتر شده می‌روند. دولت مرکزی پاکستان با ربودن منابع طبیعی این دو ولایت، عمداً تلاش نموده است تا باشندگان این مناطق کماکان فقیر بمانند.

در کنار این، ایجاد مدارس مذهبی در این دو ولایت از ستراتیژی‌های حساب شده‌ی اس‌آی و ارتش پاکستان در چند دهه گذشته بوده است. ده‌ها هزار مدرسه با رویکرد افراطی، با حمایت مالی استخبارات و ارتش پاکستان در این ایالت‌ها به فعالیت آغاز کردند، تا نسل‌های جدید پشتون‌ها و بلوچ‌ها را با افکار بنیادگرایانه اسلامی آلوده سازند.

این در حالیست که ولایت‌های دیگر مانند پنجاب و سند بزرگترین و پیشرفته‌ترین پوهنتون‌ها، کالج‌ها و مکاتب را در خود جای داده است. دولت مرکزی پاکستان تلاش نموده است تا پشتون‌ها و بلوچ‌ها را به شکل سیستماتیک درگیر بنیادگرایی ساخته و با نگهداشتن این دو گروه قومی، جوانان آنها را به گروه‌های تروریستی با حمایت استخبارات و ارتش این کشور جذب نماید.

این ستراتیژی بسیار موفق نیز بوده است. ایجاد گروه طالبان در سال ۱۹۹۴ توسط استخبارات جهانی و شخص جنرال

نصیرالله بابر و شمار دیگر از نظامیان پاکستانی با حمایت مستقیم استخبارات، زمینه جلب و جذب صدها هزار جوان را به این گروه در پی داشت. جوانانی که در مدارس مذهبی این کشور برای چنین روزی تربیه شده بودند، به صفوف طالبان پیوسته و برای جنگ به افغانستان فرستاده شدند.

در این میان هزاران تن از این جوانان در افغانستان کشته شدند و هزاران نفر دیگر در خود پاکستان به تحریک طالبان پیوستند. تحریک طالبان پاکستان با حمایت ارتش و استخبارات این کشور، در مناطق قبایلی پشتون نشین به کشتار،



شکنجه و تحقیر بی نظیر پشتون‌ها آغاز کرد.

هزاران پشتون با عنوان‌های مختلف کشته شده و یا خانه‌های شان را ترک کردند. ارتش پاکستان در کنار این، عملیات گسترده‌ای را برای سرکوب پشتون‌های این مناطق در سال ۲۰۰۹ آغاز کرد. این عملیات گسترده مناطقی مانند وزیرستان شمالی، وزیرستان جنوبی، باجور، مناطق مهمند، سوات، ملاکنده، دیره اسماعیل خان و بخشی از بلوچستان را در بر می‌گرفت.

اما آنچه در این میان بیشتر قربانی شدند، مردم این مناطق بودند که هم دشمنی به نام طالبان پاکستانی داشتند و هم ارتش پاکستان آن‌ها را سرکوب می‌کردند. شواهد بسیاری وجود دارد که نظامیان پاکستانی در این عملیات گسترده، تنها آن عده از طالبان را هدف قرار می‌دادند که خطری برای حکومت پاکستان به حساب می‌رفتند.

آمارهای مختلف وجود دارد که در این عملیات گسترده ارتش پاکستان، بیشتر از ۶۰۰۰۰ نفر از پشتون‌های مناطق قبایلی کشته شده و ۳۲ هزار نفر دیگر به شمول ۱۴۰۰ زن در جریان تلاشی خانه‌ها و روستاها از سوی ارتش بازداشت شده و تا هنوز ناپدید اند.

شاید همین رفتارهای بی رحمانه ارتش و سازمان استخبارات پاکستان بود که شماری از جوانان پشتون تبار این مناطق، جنبشی را ایجاد کرد که عمدتاً در رأس آن افراد با سواد این مناطق قرار دارند. هدف این جنبش، نجات پشتون‌های پاکستان از وضعیت کنونی است که سالهاست بهای سیاستی را می‌پردازند که هیچ گاهی به آن راضی نبوده اند.

در این میان، شماری از بزرگان قومی پشتون‌های این مناطق که بیشتر در فراهم ساختن تحقیر و توهین پشتون‌های قبایلی نقش داشته اند به عنوان نمایندگان ارتش و سازمان استخبارات پاکستان زمینه شعله ورتر شدن بیشتر این آتش بوده اند.



یکی از برجستگی های این حرکت در این است، که برای نخستین بار در تاریخ پشتون‌ها، رهبری این جنبش به دست جوانانی است که متعلق به خانواده‌های اشرافی پشتون‌های این مناطق نمی‌باشند و همه به نحوی پسران کشاورزان مناطق قبایلی اند که درس خوانده اند.

این حرکت، برای ارتش پاکستان و سران اشرافی پشتون تبار یک تهدید جدی است. شاید برای همین است که در تلاش سرکوب این حرکت هستند و اعتراضات گسترده چند روز گذشته، در رسانه‌های پاکستانی بازتاب نداشته است.

منظور پشتین، رهبر اصلی این حرکت، تأکید دارد تا زمانی به اعتراضش ادامه می‌دهد که عدالت برای قربانیان پشتون‌های قبایلی پاکستان تأمین نشود.

این حرکت گسترده اعتراضی پس از آن جدی شد که چند ماه پیش، جوانی از قوم محسود به نام **نقیب الله محسود** در کراچی پاکستان از سوی پولیس کشته شد. این قتل، آغاز اعتراض گسترده پشتون ها بود و هزاران نفر به جاده‌ها ریخته و علیه حکومت پاکستان اعتراض کردند.

پشتون‌های پاکستان در واکنش به این قتل، برای ده روز در اسلام آباد دست به تحصن زدند، اما با پا در میانی بزرگان قومی پشتون تبار به این تحصن پایان دادند. **منظور پشتین** بی نتیجه ماندن این اعتراض را، شرم آور می‌داند. در هشتم ماه اپریل سال ۲۰۱۸، یک گردهم آئی بزرگ از پشتون‌ها با تلاش این جنبش راه اندازی شد که بر اساس گزارش‌هایی در آن حدود ۱۰۰ هزار نفر اشتراک کرده بودند. این بزرگ‌ترین گردهم آئی پشتون‌ها بود که همه علیه حکومت پاکستان شعار می‌دادند. هرچند این اعتراض در رسانه‌های پاکستان به صورت درست بازتاب نیافت، زیرا حکومت پاکستان به تمامی رسانه‌ها دستور داده بود تا از نشر این گردهم‌آئی خودداری کنند.

برگ برنده دیگر این جنبش، اشتراک گسترده زنان در آن به ویژه در سطح رهبری آن است. **ثنا اعجاز** از زنان پیشتاز پشتون تبار است که اکنون به عنوان یکی از رهبران این جنبش در کنار **منظور پشتین** و دیگر جوانانی حضور دارد که شب و روز اعتراضات را گرم نگه می‌دارند.

صدها زن پشتون، با حمل عکس‌های پسران گم شده‌شان، به این اعتراض پیوسته و به ضد ارتش پاکستان شعار دادند. جالب‌تر این که هیچ شعاری در این میان شعارها وجود ندارد که این حرکت را ایدئولوژیک نشان دهد. این جنبش ظرفیت آن را دارد که بلوچ‌ها و هزاره‌های صوبه بلوچستان را نیز که توسط اردو و استخبارات پاکستان شدیداً مورد ظلم و تعدی قرار گرفته‌اند، به سوی خود جلب کند. در جلسه‌ای که این جنبش به رهبری **منظور پشتین** در مناطق مختلف صوبه بلوچستان برگزار کرده بود، تعداد کثیری از بلوچ‌ها و هزاره‌ها اشتراک نموده بودند.

در اعتراض هشتم اپریل پشتون‌ها در شهر پشاور، **منظور پشتین** به اشتراک کنندگان گفت: "ما مخالف هر آن کسی هستیم که ظلم می‌کند، اگر او طالب خوب است، اگر طالب بد است، اگر آئی اس آئی است، ام آئی است، اردوی پاکستان است، کمیته امنیتی است، هر کسی که است. هر کسی که از آئی ام آئی و آئی اس آئی یادآوری می‌کرد، او واجب القتل بود، اما من از همینجا فریاد می‌زنم و نامت را می‌گیرم. پشتون را با مرگ می‌ترساندند، پدرت هم مرا ترسانده نمی‌تواند." این اعتراض کنندگان ارتش پاکستان را به طالب پروری و دامن زدن به جنگ در پاکستان و افغانستان متهم کردند. به نظر می‌رسد کم‌کم "بهار" پشتون‌ها در پاکستان فرا رسیده است. آنچه از تعهد رهبران این جنبش مشخص است، قدم بعدی این اعتراضات در لاهور و سپس سوات است که پیش‌بینی می‌شود صدها هزار پشتون در این اعتراضات گسترده اشتراک خواهند کرد. البته اگر این حرکت بتواند اعتراضات شان را در ۲۲ ماه می در لاهور برگزار کند که قلب ارتش پاکستان است، یعنی که برنده این بازی پشتون‌های پاکستان خواهد بود.